

مفهوم و آثار بطلان نسبی*^۱

سعید محسنی^{۲*}

استادیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و

اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

سید محمد مهدی قبولی درافشان

استادیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و

اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

بطلان نسبی یکی از ضمانت‌های اجرایی نقض قواعد مربوط به تشکیل قراردادهاست که در نظام حقوقی فرانسه به‌عنوان یک نهاد حقوقی شناخته شده مطرح است. بطلان نسبی وضعیتی است که قانون‌گذار برای نقض قواعد مربوط به حمایت از شخص یا اشخاص معینی در نظر گرفته و به همین جهت سرنوشت عقد را فقط در اختیار ایشان قرار داده و تا زمانی که ذی‌نفع تعرضی نسبت به قرارداد ننماید، قرارداد صحیح بوده و تمام آثار خود را بر جای می‌گذارد. اما اگر ابطال قرارداد به درخواست ذی‌نفع (در مهلت مقرر) از سوی دادگاه تأیید شود، اصولاً جز در موارد استثنائی، قرارداد از ابتدا باطل گشته و آثار خود را از دست می‌دهد. در حقوق سنتی ایران، چنین مفهومی وجود ندارد و فقط در برخی متون برگرفته از حقوق غربی به‌صورت موردی با آن برخورد می‌کنیم. به همین جهت مفهوم مزبور در نظام حقوقی ایران نامأنوس بوده، ابهاماتی در بردارد. شناخت دقیق آن مستلزم بحثی مستقل و مبسوط است و این مهم جز با توجه به خاستگاه آن میسر نیست. به همین جهت در این جستار درصددیم تا مفهوم نهاد مزبور را ضمن مقایسه با مفاهیم مشابه تبیین نموده و با بیان آثار این نهاد، زمینه شناخت دقیق آن را فراهم کنیم.

*- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی شماره ۱۷۰۲۷/۲ است که با حمایت مالی دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده و بدین وسیله از معاونت محترم پژوهشی دانشکده علوم اداری و اقتصاد و معاونت محترم پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد تشکر می‌شود.

dr.s.mohseni@gmail.com

*- (نویسنده مسؤول):

تاریخ پذیرش:

تاریخ دریافت:

واژه های کلیدی: بطلان نسبی، بطلان مطلق، قرارداد، عطف به ماسبق شدن، ابطال.

طبقه بندی JEL: K12, K20, K29

The Concept and Effects of Relative Nullity

Saeed Mohseni

Assistant Professor of Law,
Ferdowsi University of Mashhad

Mohammad mahdi Ghabooli
dorafshan

Assistant Professor of Law,
Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

Relative nullity is one of the sanctions against violating the rules of establishing the contract and is regarded as a known legal entity in the law of France. It is a situation that the legislator has considered in case of violating the rules supporting given party or parties. Hence, he gave them authority to decide about the contract themselves and as far as the beneficial party does not have any protests to the contract, the contract is correct and has its legal effects. However, if the annulment of the contract (on the due date) is assigned to the court at the request of the beneficial party; the contract, except in exceptional cases, has to be annulled from the very beginning to terminate its legal effects. Such a concept does not exist in the traditional law of Iran and we just come to see it in some texts, which are taken from western law. Owing to this fact, the said concept is unfamiliar and ambiguous in the law of Iran and exact understanding of this concept requires an independent and detailed discussion. This important task is not possible except through considering its origin. For this reason, in the present paper, we seek to clarify the definition and meaning of this entity via comparing it with similar concepts and providing the conditions for gaining an exact and deep understanding of it.

Key words: Relative Nullity, Absolute Nullity, Contract, Retrospective, Annulment

JEL: K12, K20, K29

مقدمه

قواعد عمومی قراردادها به جهت قلمرو و کاربرد گسترده آن، اهمیت فراوانی دارد. به همین جهت بزرگان و اندیشمندان حقوق مدنی با استفاده از دست مایه عظیم حاصل از پژوهش های ارزشمند فقیهان محقق و دستاوردهای حقوق دانان غربی به ویژه حقوقدانان نظام های رومی

ژرمنی، آثار درخشانی پدید آورده‌اند. پرواضح است تحقیقاتی که با هدف غنی‌تر نمودن مباحث مزبور و پر کردن خلأهای موجود انجام می‌یابد، از اهمیت و ارزش زیادی برخوردار است.

عقد قرار داد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسباب تملک، ایجاد، انتقال و سقوط حق یا تعهد، تابع وجود و تحقق شرایط متعددی است و قانون‌گذاران برای کنترل تحقق شرایط مزبور و جلوگیری از نقض قواعد حقوقی به دو نوع اقدام دست می‌یازند. برخی اقدامات پیش‌گیرانه همچون نظارت مأمور رسمی است و برخی اقدامات نیز در قالب ضمانت‌اجرائی نقض قواعد مزبور جلوه می‌کند. از این قبیل است ضمانت اجرای بطلان که در برخی نظام‌های حقوقی انواع مختلفی دارد و به بطلان مطلق و بطلان نسبی تقسیم می‌شود. بطلان مطلق، مفهومی شناخته‌شده در حقوق ایران می‌باشد؛ درحالی‌که بطلان نسبی در حقوق سنتی ایران مفهومی نامأنوس بوده و فقط گاهی در قوانین برگرفته از حقوق غربی از جمله مقررات حقوق تجارت مورد استفاده قرار گرفته‌است. برای دستیابی به شناختی روشن از این مفهوم ضروری است با توجه به خاستگاه نهاد مزبور، آن را از مفاهیم مشابه متمایز نموده و آثارش را مورد بررسی قرار دهیم. بدین منظور نخست به بررسی مفهوم بطلان نسبی در حقوق فرانسه و مقایسه آن با مفاهیم مشابه می‌پردازیم (گفتار نخست) و سپس به بررسی آثار ضمانت‌اجرائی مزبور خواهیم پرداخت. (گفتار دوم)

گفتار نخست: مفهوم بطلان نسبی و مقایسه آن با مفاهیم مشابه

با توجه به این‌که بطلان نسبی یکی از ضمانت‌های اجراهای عدم رعایت شرایط قانونی برای عقد می‌باشد و از آنجایی‌که در عالم حقوق قراردادهای مفاهیم مشابه دیگری با کارکردهای مختلف وجود دارد، شایسته‌است ابتدا مفهوم بطلان نسبی را با توجه به عناصر تشکیل‌دهنده آن، تبیین و سپس وجوه اشتراک و افتراق آن را با سایر مفاهیم مشابه مشخص نماییم.

۱) بطلان نسبی

بطلان نسبی، وضعیتی است که قانون‌گذار برای نقض قواعد مربوط به حمایت از شخص یا اشخاص معینی در نظر گرفته و به همین جهت سرنوشت عقد را فقط در اختیار ایشان قرار داده و تا زمانی که ذی‌نفع تعرضی نسبت به قرارداد ننماید، قرارداد صحیح بوده و تمام آثار خود را بر جای

می‌گذارد. اما اگر ابطال قرارداد به درخواست ذی‌نفع (در مهلت مقرر) از سوی دادگاه تأیید شود، اصولاً جز در موارد استثنائی، قرارداد از ابتدا باطل گشته و آثار خود را از دست می‌دهد.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، تعریف بطلان نسبی دارای عناصر متعددی است. بطلان نسبی ضمانت اجرایی قواعد حمایتی است که عمدتاً در صدد حمایت از منافع خصوصی یکی از دو طرف قرارداد و بعضاً حمایت از منافع خصوصی هر دو طرف یا حتی شخص ثالث می‌باشد. در نتیجه، طبیعی است که فقط اشخاص مورد حمایت، حق استناد به این نوع بطلان را دارند. البته اختیار ایشان از جهت زمانی نامحدود نیست و طبق ماده ۱۳۰۴ اصلاحی قانون مدنی فرانسه، اصولاً با گذشت پنج سال^۱ و بعضاً مدت کمتری^۲ مشمول مرور زمان می‌شود. علاوه بر این، ذی‌نفع می‌تواند به‌اختیار از حق مزبور چشم‌پوشی نماید. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های بطلان نسبی، نیازمندی به حکم دادگاه است که در این خصوص، هیچ تردیدی در حقوق فرانسه وجود ندارد. (Marty & Raynaud, 1988, p. 300; Mazeauds & Chabas, 1985, p. 300) اما اختلاف درباره خصیصه اعلامی یا تأسیسی بودن حکم دادگاه است. برخی از صاحب نظران حقوق فرانسه (Flour, Aubert, & Savaux, 2002, p. 243) با تکیه بر دو نکته، اعتقاد به اعلامی بودن تمام آرای بطلان دارند. از طرفی، نقض قواعد عقد قرارداد در زمان انعقاد قرارداد رخ داده و از این جهت، بطلان مبتنی بر واقعه‌ای مربوط به گذشته است. از طرف دیگر اثر عطف به ماسبق شونده بطلان با اعلامی بودن رأی دادگاه سازگاری بیشتری دارد. برخی از استادان حقوق ایران (Shahidi, 2002, pp. 64, & s) نیز همین عقیده را با بیانی دیگر تأیید نموده‌اند. به اعتقاد ایشان، بطلان نسبی که برای حمایت از اشخاص معین مقرر شده، با اعلام بطلان توسط ایشان یا نماینده قانونی آنها در عالم اعتبار محقق می‌گردد و زمان وقوع بطلان، زمان صدور رأی دادگاه نیست؛ بلکه در بطلان نسبی زمان وقوع بطلان، هنگام اعلام آن به وسیله شخص مورد حمایت قانون یا نماینده قانونی وی می‌باشد. به اعتقاد

^۱ - لازم به ذکر است که مدت مرور زمان مزبور قبل از اصلاحات قانون مدنی فرانسه در سوم ژانویه ۱۹۶۸، ده سال بوده است.

^۲ - به عنوان نمونه ماده ۱۶۷۶ قانون مدنی فرانسه در مورد دعوی غبن در بیع غیر منقول که ضمانت اجرای آن بطلان نسبی است، مرور زمان دو ساله را پیش بینی نموده است.

ایشان، کسانی که رأی دادگاه را تأسیسی می‌دانند، میان مرحله ثبوت و مرحله اثبات خلط نموده‌اند. البته باید توجه داشت که به موجب نظریه اخیر، اعلام بطلان توسط ذی‌نفع، شرط لازم برای تحقق بطلان نسبی است و از این زمان است که قرارداد باطل گشته (مرحله ثبوت) و به حکم قانون‌گذار عطف به ماسبق می‌شود و حکم دادگاه صرفاً آشکارکننده وضعیت مزبور است (مرحله اثبات) و از این جهت با نظریه پیشین که چنین دقتی ندارد، متفاوت می‌باشد.

در مقابل، برخی دیگر از حقوق‌دانان بنام فرانسه، اعتقاد به تأسیسی بودن حکم دادگاه دارند و آن را به‌عنوان یکی از وجوه افتراق بطلان مطلق و نسبی قلمداد می‌نمایند و تکیه بر این مطلب دارند که در بطلان نسبی قبل از صدور حکم دادگاه بر بطلان، قرارداد وجود داشته و این تصمیم قضایی است که با عمل حاکمیتی، آن را از بین می‌برد (Planiol, Traité élémentaire, T.1, n°330 et 338) و بر همین اساس است که اینجا بیشتر سخن از قابلیت ابطال است نه بطلان. این نظر با توجه به مبانی حقوق فرانسه بیشتر قابل دفاع بوده و با ادله زیر تأیید می‌گردد:

۱- صرف نقض قواعد مقرر قانونی در زمان انعقاد قرارداد، کافی برای اثبات اعلامی بودن حکم دادگاه مبنی بر بطلان نمی‌باشد؛ زیرا بر ملازمه میان آن دو دلیلی ارائه نشده است. در واقع نقض قواعد مزبور در زمان تشکیل قرارداد، شرط لازم برای بطلان عمل است، اما شرط کافی نبوده، حکم دادگاه برای تأسیس مفهوم بطلان نسبی ضروری است. برخلاف بطلان مطلق، در خصوص بطلان نسبی، دادگاه بطلان را احراز نمی‌کند؛ بلکه شرایط لازم برای ابطال قرارداد را احراز و بر حسب درخواست ذی‌نفع حکم به بطلان می‌دهد.

۲- از طرف دیگر عطف به ماسبق شدن آثار بطلان نسبی نیز تلازمی با اعلامی بودن حکم دادگاه نداشته و مبنای آن حکم قانون‌گذار است.

۳- آنچه مسلم است در بطلان نسبی، تا زمانی که قرارداد به موجب حکم دادگاه ابطال نگردیده، قرارداد کلیه آثار خود را بر جای می‌گذارد و صحیح تلقی می‌شود. اعلامی پنداشتن حکم

^۱- برخی از نویسندگان فرانسوی تصور کرده‌اند که در بطلان اعم از مطلق و نسبی زمانی که شرایط آن محقق باشد و به‌طور قانونی درخواست شود، قاضی مکلف به اعلام آن است. (Flour, et al., 2002, p. 243)

دادگاه با صحیح قلمداد نمودن قرارداد قبل از حکم دادگاه، قابل جمع نیست.
۴- استفاده از تعبیر ابطال^۱ یا قابلیت ابطال^۲ یا عقد قابل ابطال^۳ در برخی متون قانونی^۴ و نوشته های حقوقی (Carbonnier, 1988, p. 201; Flour, et al., 2002, p. 240) نیز تأییدی بر تأسیسی بودن حکم دادگاه می باشد.

صرف نظر از اعلامی یا تأسیسی بودن حکم دادگاه، تردیدی در لزوم آن در حقوق فرانسه وجود ندارد. با این حال، این سؤال مطرح است که آیا قاضی پس از احراز شرایط بطلان نسبی، مکلف به صدور حکم مبنی بر بطلان است یا در این خصوص اختیار دارد؟ برخی از نویسندگان فرانسوی پس از طرح این سؤال، به درستی دادگاه را (جز در مواردی که قانون گذار دادگاه را مخیر کرده)، ملزم به صدور حکم دانسته اند. (Flour, et al., 2002, p. 243) از جمله موارد استثنائی که به رغم وجود جمیع شرایط قانونی، دادگاه اختیار صدور حکم بطلان دارد، ماده 1-141 قانون تجارت فرانسه می باشد که در مورد فروش حق کسب و پیشه و تجارت، فروشنده را ملزم به ذکر اطلاعاتی نموده است و در مقام بیان ضمانت اجرایی این تکلیف مقرر می دارد که: «در صورت عدم ذکر این موارد، دادگاه می تواند به درخواست خریدار حکم به بطلان بیع بدهد».

نکته قابل توجه دیگر در این خصوص این است که استفاده از حق ابطال قرار داد، هم به صورت اقامه دعوی مستقل و هم در مقام دفاع (به عنوان ایراد) امکان پذیر است. (Veaux, 1996a, p. 19) به عنوان نکته پایانی در این قسمت، تذکر این مطلب ضروری است که نگارندگان قانون مدنی فرانسه مقررات بطلان نسبی را از ماده ۱۳۰۴ به بعد تحت عنوان "De l'action en nullité ou en rescision" طرح نموده اند و مقصود از هر دو اصطلاح (nullité و rescision) مفهوم واحد (بطلان نسبی) به نحو عموم و خصوص می باشد. با این توضیح که "nullité" به معنای بطلان و "rescision" در لغت به معنای فسخ است؛ اما در استعمال قانون مدنی فرانسه به معنای نوعی خاص

¹ - Annulation.

² - Annulabilité.

³ - Contrat annulable.

^۴ - به عنوان نمونه ر. ک. قانون مدنی فرانسه مواد ۲۱۵، ۳-۲۲، ۴۰۲، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۶-۱۸۴۴، ۲۵۲۱ و ۲۵۲۲.

از بطلان نسبی است که در فرض مغبون شدن یکی از دو طرف قرار داد کاربرد دارد و با تعبیر "rescision pour lesion" به کار رفته است. برای تبیین کامل تر مفهوم اصطلاح اخیر باید نگاهی به سابقه تاریخی آن نمود. در حقوق قدیم، این دو اصطلاح (nullité-rescision) مترادف نبودند. میان دو دسته بطلان‌ها تفکیک می‌شد؛ بطلان‌های ناشی از نقض عرف‌ها و فریمان‌های شاه که توسط دادگاه‌ها بدون تشریفات خاص مقدماتی اعلام می‌گردید و بطلان‌های ناشی از حقوق رم که در مورد قراردادها کاربرد عام داشت اما استفاده از آن، مستلزم اجازه پادشاه در قالب نامه فسخ (Lettre de rescision) بود. (Colin, Capitant, & Julliot De la Morandière, 1966, p. 221) شاه در این نامه خاطر نشان می‌ساخت که قواعد رم به جهت تجویز پادشاه قدرت اجرایی دارد. بعدها مبنای ضرورت چنین نامه‌ای منتفی شد؛ ولی ضرورت تهیه چنین نامه‌ای با اهداف مالیاتی حفظ گردید. پس از انقلاب کییر فرانسه، لزوم نامه مزبور منتفی شد ولی نگارندگان قانون مدنی کلمه "rescision" را در کنار اصطلاح "nullité" و به عنوان نوع خاصی از آن استعمال نموده‌اند. (Mazeauds & Chabas, 1985, pp. 279, & 298) بنابراین امروزه کاربرد اصطلاح "rescision" در مورد قابلیت ابطال قرارداد به دلیل غبن و اصطلاح "nullité" در سایر موارد می‌باشد و به رغم دوگانگی اصطلاح، هیچ تفاوت ماهوی بین آن دو وجود ندارد (Veaux, 1996b, p. 14) و "rescision" نوعی ابطال است که تابع مقررات دعوای بطلان نسبی می‌باشد و البته ویژگی‌های خاصی هم دارد. (Flour, et al., 2002, p. 239; Mazeauds & Chabas, 1985, pp. 297-298) بنابراین نباید "rescision" را با قابلیت فسخ مصطلح اشتباه کرد؛ آن‌چنان که برخی از حقوق دانان ایران (Shahidi, 2002, pp. 59, 52 & 70) دچار چنین خلطی شده و به همین جهت عبارت برخی از نویسندگان فرانسوی را دچار تعارض پنداشته‌اند.

اینک که مفهوم بطلان نسبی تا حدودی روشن گردید، لازم است قبل از بیان آثار بطلان نسبی، به منظور جلوگیری از خلط مفاهیم، وجوه افتراق و اشتراک آن را با مفاهیم مشابه بررسی نماییم.

۲) بطلان مطلق

در حقوق فرانسه، بطلان مطلق در مقابل بطلان نسبی قرار می‌گیرد. هر چند تقسیم بندی مزبور در بین حقوق دانان و رویه قضائی محل تردید نبوده، اما در متون قانونی به صراحت پیش‌بینی

نشده است، البته برخی (Colin, et al., 1966, p. 221) آن را از مواد ۱۱۲۵ و ۱۱۳۱ قانون مدنی فرانسه قابل استنباط می‌دانند. این دو اصطلاح به رغم شباهت‌های مختصر، از جهات متعدد در تقابل با یکدیگر قرار دارند. هر دو نوع بطلان، مستلزم حکم دادگاه است با این تفاوت که اعلامی بودن حکم دادگاه در بطلان مطلق مورد قبول همگان است. باید توجه داشت که حقوق دانان فرانسه علت ضروری بودن حکم دادگاه برای بطلان مطلق را در این می‌دانند که از سویی، بالأخره ظاهری هر چند تصنعی از قرارداد باطل مطلق، ایجاد شده که لازم است از بین برود و اماره صحت دگرگون شود. از سوی دیگر، از آنجا که هیچ‌کس نباید دادرس خود باشد، مراجعه به دادگاه در مورد بطلان مطلق نیز، ضرورت می‌یابد. (Flour, et al., 2002, p. 240; Katouzian, 1997, p. 300; Mazeauds & Chabas, 1985, p. 303) اما در خصوص اعلامی یا تأسیسی بودن حکم دادگاه در مورد بطلان نسبی، اختلاف نظر وجود دارد که البته تأسیسی بودن حکم دادگاه در این خصوص مرجح است. در واقع، در بطلان مطلق، مراجعه به دادگاه به منظور احراز بطلانی است که قبل از صدور حکم وجود داشته، اما در بطلان نسبی مراجعه به دادگاه به جهت ابطال قرارداد است. بطلان مطلق از همان ابتدا به خاطر فقدان شرایط صحت، فاقد هرگونه اثری در روابط اجتماعی بوده است. بطلان نسبی نیز اصولاً پس از صدور حکم دادگاه آثار خود را از ابتدا از دست می‌دهد. این دو مفهوم از جهات دیگر نیز متمایز و متفاوت هستند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.^۱

- ۱- بطلان نسبی برای حمایت از منافع اشخاص معین مقرر شده، در حالی که بطلان مطلق برای حمایت از منافع عمومی پیش‌بینی گردیده است و بر همین اساس ذی‌نفع هر یک از دو دعوی متفاوت هستند. تفصیل این موضوعات در مباحث آینده خواهد آمد.
- ۲- با توجه به مطلب بالا، اشخاص معین مورد حمایت در بطلان نسبی می‌توانند از حمایت مزبور به صورت تأیید عمل حقوقی چشم‌پوشی نمایند؛ در حالی که این امکان در بطلان مطلق وجود

^۱ - در این خصوص مراجعه شود به:

(Carbonnier, 1988, p. 194; Colin, et al., 1966, pp. 220-221; Flour, et al., 2002, pp. 239, 242;)
 Katouzian, 1997, pp. 297-300, & 383; Marty & Raynaud, 1988, p. 221; Mazeauds & Chabas, 1985, pp. 296-297 & 306; Safaei, 2007, p. 312; Shahidi, 2002, p. 24; Veaux, (1996a, pp. 5-6

ندارد.

۳- در حقوق فرانسه، مرور زمان دعوی بطلان نسبی مشمول قواعد خاص و محدودتر از مرور زمان دعوی بطلان مطلق که مشمول قواعد عمومی مرور زمان است، می‌باشد. در حقوق ایران، گرچه مرور زمان در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ به عنوان قاعده‌ای عمومی شناخته نشده، اما مرور زمان‌های مذکور در قوانین خاص از جمله مرور زمان بطلان نسبی مذکور در ماده ۱۳۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت فسخ نشده و مورد تعرض شورای محترم نگهبان قرار نگرفته است و دارای اعتبار است.

۴- قرارداد باطل مطلق از اساس، فاقد هرگونه اثری در روابط اجتماعی است. در حالی که قرارداد باطل نسبی قبل از حکم دادگاه، صحیح و دارای کلیه آثار خود بوده و پس از حکم دادگاه آثار خود را از ابتدا از دست می‌دهد.

به‌رغم تفاوت‌های متعدد فوق، در بعضی موارد تمیز این دو نوع بطلان از یکدیگر مشکل می‌نماید. شاید به همین جهت باشد که برخی از استادان حقوق ایران (Katouzian, 1997, p. 306)، ضمانت‌اجرائی مذکور در ماده ۱۰۰ قانون تجارت ایران را که نوعی بطلان مطلق می‌باشد، بطلان نسبی تلقی نموده‌اند. برعکس، برخی دیگر (Shahidi, 2002, p. 74) به درستی ضمن تأکید بر مطلق بودن بطلان در روابط دو طرف، از عدم قابلیت استناد آن بطلان در برابر اشخاص ثالث سخن گفته‌اند.

برخی از حقوق دانان فرانسه در کنار بطلان مطلق و بطلان نسبی از مفهوم دیگری تحت عنوان "عدم وجود" به عنوان یکی از ضمانت‌های اجرایی سه گانه فقدان شرایط اساسی قرارداد سخن می‌گویند. (Carbonnier, 1988, pp. 193-194) مطابق این نظر، قرارداد هنگامی غیرموجود است که فاقد یکی از عناصر لازم برای هستی خود باشد به طوری که بدون آن درک تحقق عمل حقوقی امکان‌پذیر نباشد. (Shahidi, 2002, p. 74) به تعبیر برخی از نویسندگان فرانسوی، وصف عدم وجود مواردی را بیان می‌کند که به موجب آن قرارداد فاقد یکی از عناصر ماهوی خویش است.^۱ در حالی که بطلان مطلق مربوط به مواردی است که عمل حقوقی با یکی از

^۱ - برای مطالعه تفصیلی مصادیق عدم وجود در رویه قضائی فرانسه مراجعه کنید به: (Veaux, 1996b, pp. 5-14)

اوامر یا نواهی قانونی مغایرت دارد. (Flour, et al., 2002, p. 240) همان گونه که در حقوق سنتی و جدید ایران (Äl-e- Kashef Algheta, 1940, p. 123; Katouzian, 1997, p. 300) تفکیک عقد باطل از فاسد مورد پذیرش نیست، اغلب حقوق دانان جدید فرانسه (Colin, et al., 1966, pp. 221-222; Flour, et al., 2002, p. 240) نیز مفهوم عدم وجود را مورد انتقاد قرار داده‌اند. به کار بردن مفهوم عدم وجود در کنار بطلان مطلق، علاوه بر این که غیرمنطقی است، فایده‌ای نیز بر آن مترتب نبوده و ضروری نمی‌باشد. غیرمنطقی بودن این مفهوم از آن جهت است که بطلان مطلق در عالم اعتبار نوعی عدم وجود است و جدا از آن نیست و از طرفی، مفهوم "عدم" مفهومی بسیط بوده و مشکک به شمار نمی‌آید تا برای آن مراتبی در نظر گرفته و بطلان مطلق و عدم وجود را از حیث مراتب تشکیلی تفکیک نماییم. بنابراین تفکیک میان این دو اصطلاح موجب ابهام از جهت معیار و آثار آن می‌گردد و از آن جایی که عدم وجود آثار متفاوت با بطلان ندارد، بنابراین فایده‌ای بر آن مترتب نیست و ضرورتی ندارد. علاوه بر این، آرایبی نیز که سخن از عدم وجود به میان آورده‌اند، نوعاً به بطلان مطلق نظر داشته‌اند. (Colin, et al., 1966, pp. 221-222)

۳) عدم قابلیت استناد

یکی دیگر از مفاهیمی که در حقوق فرانسه کاربرد فراوان داشته و مقایسه آن با بطلان نسبی ضروری است، مفهوم "عدم قابلیت استناد" است. اصولاً آثار مستقیم قرارداد، گریبان گیر اشخاص ثالث نمی‌شود و حق و تکلیفی به نفع یا زیان آنها ایجاد نمی‌کند (اصل اثر نسبی قرارداد)، لیکن قرارداد به عنوان واقعه‌ای که رخ داده، می‌بایست توسط اشخاص ثالث مورد احترام قرار گیرد و حق انکار آن را ندارند. (اصل قابلیت استناد قرارداد)^۱ با اینحال گاهی اتفاق می‌افتد که به رغم معتبر بودن قرارداد میان دو طرف، شخص ثالث الزامی به پذیرش آن ندارد. (عدم قابلیت استناد) از آن جایی که این عمل باطل نیست، طرفین قرارداد را به یکدیگر مرتبط می‌کند ولی ایشان نمی‌توانند از آن در مقابل اشخاص ثالث بهره‌برند. به عنوان نمونه وقتی که قانون‌گذار به منظور حمایت از

^۱ - برای مطالعه تفصیلی در خصوص این اصل و شرایط و آثار آن ر.ک. (Ghabooli dorafshan, 2007)

اشخاص ثالث دستور ثبت یا انتشار عملی را می‌دهد، ضمانت اجرای عدم انتشار، بطلان عمل حقوقی نیست. بلکه نتیجه آن، عدم قابلیت استناد در برابر اشخاص ثالث است. از این قبیل است رهن اموال غیر منقول در حقوق فرانسه (Simler & Ghestin, Jamin, & Billiau, 2001, p. 834; Delebecque, 1995, pp. 576-579)، عدم ثبت انتقال سهام به نام در دفتر ثبت سهام شرکت‌های سهامی (ماده ۴۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت)، عدم پیش‌بینی شرط محدود کننده اختیارات مدیران در شرکت با مسئولیت محدود در اساسنامه (ماده ۱۰۵ قانون تجارت) و

در این قبیل موارد، مفهوم عدم قابلیت استناد به وضوح از بطلان نسبی متمایز است. اما در مواردی این دو مفهوم از جهاتی به یکدیگر نزدیک می‌شوند. مثلاً در خصوص دعوی پل^۱ که مدیون به قصد فرار از دین اموال خود را به غیر منتقل می‌نماید، قانون‌گذار فقط به طلبکاران مدیون مزبور اجازه انکار و نادیده گرفتن قرارداد را می‌دهد و از این جهت که در این مورد فقط شخص یا اشخاصی که قانون‌گذار در صدد حمایت از آنان می‌باشد، از ضمانت‌اجرائی عدم قابلیت استناد بهره‌می‌برند، به مفهوم بطلان نسبی نزدیک می‌گردد. (Mazeauds & Chabas, 1985, p. 305) با این توضیح و به منظور تمیز مناسب‌تر دو مفهوم فوق از یکدیگر شایسته است به وجوه افتراق آنها اشاره‌نماییم. مهم‌ترین ممیزه این دو، تفاوت آنها از جهت ذی‌نفع می‌باشد. در حالی که ذی‌نفع دعوای بطلان نسبی معمولاً یکی از طرفین قرارداد می‌باشد؛ ذی‌نفع عدم قابلیت استناد، اشخاص ثالث یا گروهی از آنها هستند. تفاوت دیگر در این است که بطلان ضمانت‌اجرائی عدم رعایت شرایط اساسی تشکیل قرارداد است. در حالی که عدم قابلیت استناد، ضمانت‌اجرائی شرایط قابلیت استناد به قرارداد در برابر اشخاص ثالث است. با توجه به تفاوت اخیر، تفاوت دیگر این دو مفهوم در این است که در صورت بطلان یا ابطال قرارداد، عمل حقوقی نسبت به طرفین فاقد اثر و بی‌اعتبار می‌گردد، در حالی که در فرض عدم قابلیت استناد، قرارداد نسبت به دو طرف قرارداد معتبر است. در پایان، توجه به این تفاوت نیز مفید است که دعوای بطلان نسبی مشمول مرور زمان

^۱ - Action paulienne.

مقصود از این دعوا، دعوای ابطال معامله به قصد فرار از دین است که از نظر تاریخی از حقوق رم وارد حقوق فرانسه شده است و به «دعوی پل» اشتهار یافته و نام آن از نام قاضی رومی (پل) اتخاذ گردیده است. مشهور است که وی نخستین کسی است که آن را مورد پذیرش قرار داده است. (Colin, et al., 1966, p. 408; Weill & Terré, 1980, p. 946)

می‌گردد؛ درحالی که عدم قابلیت استناد، مشمول مرور زمان نمی‌شود. چون اشخاص ثالث در تشکیل عقد دخالت نداشته‌اند تا ثبوت حقی علیه ایشان مشمول مرور زمان شود.

با این حال، شباهت دو مفهوم مزبور به حدی است که از طرفی برخی از استادان حقوق فرانسه (Mazeauds & Chabas, 1985, p. 299) عدم قابلیت استناد را نوعی بطلان با اثر نسبی دانسته‌اند و از طرف دیگر، این شباهت برخی از حقوق‌دانان ایران (Katouzian, 1997, pp. 305-307) را در شمارش مصادیقی از بطلان نسبی در متون قانون ایران به اشتباه انداخته که شاید علت اشتباه، ابهام کلمه "بطلان نسبی" باشد که در نگاه بدوی و فارغ از معنای اصطلاحی آن، ممکن است علاوه بر بطلان نسبت به طرفین قرارداد، توهم بطلان نسبت به اشخاص ثالث را نیز القا نماید!

درحالی که همان‌طور که گفتیم، بطلان نسبی اصولاً عبارت از قابلیت ابطال قرارداد توسط طرف یا طرفین قرارداد است. بنابراین معامله سهام بانام مذکور در ماده ۴۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت که در دفتر ثبت سهام شرکت ثبت نشده باشد، از آن جایی که قرارداد بین طرفین کاملاً صحیح و معتبر بوده و قابل ابطال نیست، مشمول مفهوم بطلان نسبی نمی‌باشد و فقط علیه اشخاص ثالث غیر قابل استناد خواهد بود. (Shahidi, 2002, p. 73) همچنین است توافق بر تحدید حدود اختیارات مدیران که به موجب ماده ۱۰۵ قانون تجارت ایران (حتی اگر در اساسنامه ذکر نشود)، معتبر و غیر قابل ابطال است. حکم این ماده هم عدم قابلیت استناد است و بطلان نسبی تلقی نمی‌شود. (Shahidi, 2002, p. 74)

۴) عدم نفوذ

اصطلاح دیگری که تمیز آن از بطلان نسبی ضروری است، مفهوم "عدم نفوذ" می‌باشد. عدم نفوذ وضعیتی است ناقص که فاقد رضای معتبر و در نتیجه فاقد اثری است که قانون برای آن عقد در صورت کامل بودن می‌شناسد و در صورت الحاق رضای معتبر، عقد کامل گشته، آثار خود را بر جای می‌گذارد.

عدم نفوذ و بطلان نسبی از این جهت که در صورت رد (در عقد غیر نافذ) و ابطال (در عقد باطل نسبی) فاقد هر گونه اثری از ابتدا می‌باشند، مشابه بوده و علاوه بر آن، از جهت امکان تنفیذ و تأیید توسط ذی‌نفع که شخص مورد حمایت قانون‌گذار می‌باشد نیز، به یکدیگر شبیه هستند. اما

از جهات مختلف با یکدیگر متفاوتند. مهم‌ترین تفاوت این دو در این است که عقد باطل نسبی تا زمانی که توسط دادگاه به درخواست ذی‌نفع ابطال نگردیده، دارای اعتبار بوده و کلیه آثار خود را به جای می‌گذارد. برعکس، عقد غیر نافذ پیش از تنفیذ، هیچ اثر حقوقی ندارد. از طرف دیگر، قلمرو موضوعی ضمانت‌های اجرایی مزبور متفاوت است. در حقوق ایران ضمانت‌اجرای عدم‌نفوذ به‌طور معمول در موردی به‌کار می‌رود که نقصان عقد به دلیل فقدان رضای معتبر می‌باشد، (از قبیل معاملات اکراهی و فضولی و به عقیده بعضی^۱ اشتباه) در حالی که بطلان نسبی در حقوق فرانسه، قلمرو متفاوتی دارد.

بطلان نسبی، مفهوم جدیدی است که از حقوق فرانسه اقتباس شده و به‌طور ویژه در قانون تجارت به چشم می‌خورد. بنابراین برای تشخیص مفهوم و ماهیت مزبور باید به مطالب فوق و نیز منشأ اقتباس قوانین توجه نمود؛ نه این که همچون برخی حقوق‌دانان (Shahidi, 2002, p. 57)، به صرف عدم تطابق بطلان نسبی با قواعد سنتی حقوق ایران، موارد مسلم بطلان نسبی (ماده ۱۲۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت) را به عدم‌نفوذ تفسیر نمود.

۵) قابلیت فسخ

در پایان این قسمت به مقایسه بطلان نسبی با مفهوم قابلیت فسخ می‌پردازیم. فسخ در حقوق ایران، عبارت است از این که قراردادی که به صورت کامل با تمام آثار خود منعقد گشته، به اراده یک جانبه یکی از دو طرف قرار داد (و بعضاً اراده یک جانبه شخص ثالث) منحل گشته و آثارش از همان لحظه، پایان یابد. بنابراین عقد قابل فسخ در حقوق ایران در زمان انعقاد دارای شرایط و ارکان لازم بوده است. با این توضیح، شباهت عقد قابل فسخ در حقوق ایران با عقد باطل نسبی در

^۱ برای ملاحظه نظرات مزبور ر.ک. (Adl, 2006, p. 101; Amiri Qaem Maqami, 1999, pp. 228, and s.; Bahrami ahmadi, 2002, p. 72; Boroojerdi Abdoh, 2001, pp. 98-99; Doroodian, 1994, p. 134; Emami, 1995, pp. 42-43; Haeri Shahbaq, 2002 pp. 162-163 & 192; Jafari Langroudi, 1961, pp. 220-221 & 217)، از میان این نویسندگان برخی (Boroojerdi Abdoh, 2001, pp. 98-99) اشتباه در موضوع را موجب بطلان دانسته و تعبیر قانونگذار را از باب مسامحه در تعبیر شمرده، اما درباره اشتباه در شخص طرف قرارداد حکم به عدم‌نفوذ می‌دهد؛ در خصوص نقد این نظرات ر.ک. (Mohseni, 2007, pp. 47, & s)

حقوق فرانسه در این است که هردو قبل از اعمال فسخ یا ابطال، دارای آثار قانونی خود هستند. اما تفاوت در این است که با ابطال عقد باطل نسبی اصولاً آثار قرارداد از ابتدا منتفی می‌گردد، ولی با اعمال فسخ در حقوق ایران، آثار عقد از همان لحظه پایان می‌یابد و اثر قهقرایی ندارد. از طرف دیگر، عقد باطل نسبی به جهت عدم رعایت شرایط تشکیل قرارداد باطل می‌باشد، در حالی که عقد قابل فسخ از حیث ارکان و شرایط تشکیل هیچ‌گونه نقضی ندارد.

فسخ از حیث اثر در حقوق فرانسه به دو قسم تقسیم می‌گردد. قسم اول که از آن به "Résolution" تعبیر می‌شود، دارای اثر قهقرایی است و از این جهت شبیه بطلان نسبی می‌باشد. این نوع فسخ یا به صورت شرط فاسخ در قرارداد پیش‌بینی می‌شود و یا در اثر نقض تعهدات قراردادی در عقود معوض آنی بر حسب مورد برای یکی از طرفین یا هردوی آنان، حق فسخ ایجاد می‌شود. (Flour, et al., 2002, p. 237) تفاوت این نوع فسخ با بطلان نسبی از طرفی در این است که عقد باطل نسبی شرایط تشکیل عقد را فاقد است، در حالی که عقد قابل فسخ مزبور از این حیث نقضی ندارد. از طرف دیگر، هر چند هردو نهاد دارای اثر قهقرایی هستند، اما کیفیات و نحوه عطف به ماسبق شدن این دو با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. (Veaux, 1996a, p. 7)

قسم دوم فسخ در حقوق فرانسه "Résiliation" نامیده می‌شود که اثرش نسبت به آینده است و از این جهت با بطلان نسبی متفاوت است. علاوه بر این که برعکس عقد باطل نسبی، شرایط و ارکان تشکیل قرارداد در مورد آن رعایت شده است؛ این فسخ در عقود مستمر متصور است، با این توضیح که در عقود مستمری که برای آن مدت ذکر نشده، مانند قرارداد کار بدون مدت به عنوان یک قاعده عمومی در نظر گرفته شده است. البته اعمال این حق فسخ بدون کنترل نبوده، در صورت سوءاستفاده از حق، مسؤولیت جبران خسارت را به دنبال خواهد داشت. اما در عقود مستمر دارای مدت معین، اعمال چنین فسخی، استثناء بوده مستلزم تصریح قانونی است. مثلاً در عقود مبتنی بر اعتماد، چنانچه اعتمادی که مبنای قرارداد بوده، زائل شود، شخص ذی‌نفع (همچون مودع در عقد ودیعه و وکیل یا موکل بسته به مورد در عقود کالت) حق فسخ قرارداد را خواهند داشت. (Flour, et al., 2002, p. 292)

در پایان لازم به ذکر است که هر چند در حقوق ایران، ضمانت اجرایی غبن ایجاد خیار فسخ است لیکن در حقوق فرانسه، ضمانت اجرایی غبن، بطلان نسبی قرارداد است، اما به لحاظ سابقه تاریخی اصطلاح "Rescision" (فسخ) در متون قانونی فرانسه در مورد آن باقی مانده که با

همه اقسام حق فسخ متفاوت بوده و مترادف با بطلان نسبی به شمار می آید. بنابراین تعبیر برخی (Shahidi, 2002, pp. 52, 59 & 70) که آن را قابلیت فسخ دانسته و عبارات برخی از حقوقدانان فرانسوی را متعارض پنداشته اند، محل ایراد است.

گفتار دوم: آثار بطلان نسبی

بطلان نسبی آثار متعددی دارد. مهم ترین این آثار ویژگی عطف به ماسبق شونده آن است (بند نخست). گستره بطلان بعضاً کل قرارداد و بعضاً قسمتی از قرارداد را شامل می شود (بند دوم). به دنبال ابطال قرارداد، گاه، بحث مسؤلیت طرفین قرارداد یا یکی از ایشان نیز مطرح می گردد (بند سوم).

بند نخست: عطف به ماسبق شدن بطلان

زمانی که دادگاه حکم به بطلان قرارداد می دهد، نه تنها قرارداد. آثارش را نسبت به آینده از دست می دهد، بلکه اثر بطلان به گذشته نیز سرایت نموده و قرارداد را از ابتدا فاقد هرگونه اثری می نماید. این است اثر عطف به ماسبق شونده بطلان. این اثر در فرضی که قرارداد اجرا نشده، هیچ نمودی ندارد. اما هنگامی که بطلان پس از اجرای قرارداد مطرح می شود، معنا پیدا می کند و در این فرض باید وضع اشیاء به حالت قبل از قرارداد باز گردد، به گونه ای که گویا اصلاً چنین قراردادی وجود نداشته است.

باید توجه داشت که اصولاً بطلان نسبت به همگان مؤثر بوده و حتی تأثیر آن نسبت به اشخاص ثالث نیز مطابق قاعده است. (Katouzian, 1997, pp. 314, 318-319; Veaux, 1996c, p. 9) و نمی توان ضمن قیاس آثار بطلان قرارداد با آثار مستقیم قرارداد صحیح، قاعده اثر نسبی^۱ را در مورد بطلان، نیز جاری دانست. چون برخلاف قرارداد صحیح، بطلان، اثر ایجابی ندارد و

^۱ - قاعده اثر نسبی که به ویژه در مورد قرارداد به کار می رود، به این معنا است که آثار مستقیم قرارداد یا رأی یا ... جز در مواردی که قانون گذار خلاف آن را تصریح نماید، فقط گریبان گیر طرفین قرارداد و اصحاب دعوا و قائم مقام آنان می گردد. این قاعده در مورد قراردادها در ماده ۲۳۱ قانون مدنی ایران و ماده ۱۱۶۵ قانون مدنی فرانسه بیان گردیده است.

به معنای حذف موجود پوشالی از عالم حقوق است. بنابراین گفته آن کسانی که برای بطلان اثر نسبی قایل هستند (Shahidi, 2002, p. 150)، قابل انتقاد به نظر می‌رسد. البته قانون گذار بعضاً تأثیر عام بطلان را با تأسیس عدم قابلیت استناد محدود می‌کند. به عنوان نمونه بطلان نسبی ماده ۱۲۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، به موجب ماده ۱۳۰ آن قانون علیه اشخاص ثالث، غیر قابل استناد قلمداد شده است. همچنین است بطلان مذکور در ماده ۱۰۰ قانون تجارت که به موجب ماده ۱۰۱ آن قانون علیه اشخاص ثالث غیر قابل استناد دانسته شده است. ماده ۲۷۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت هم مصداقی از همین موارد است.

نتیجه عطف به ماسبق شدن بطلان در خصوص روابط دوطرف قرارداد، این است که هر یک از طرفین حق دارند آن چیزی را که داده، مسترد نمایند. چرا که با اجرای اثر قهقرایی بطلان، پرداخت‌های انجام شده، ایفاء ناروا بوده، علی‌الأصول استرداد باید بر اساس قواعد نهاد حقوقی مزبور صورت پذیرد. در نوشته‌های حقوق دانان فرانسوی برای تبیین این وضعیت از تعبیر استعاره‌ای "قرارداد وارونه"^۱ یاد می‌شود. (Flour, et al., 2002, p. 274)

بر اثر قهقرایی بطلان، استثنائاتی نیز وارد می‌شود که در دو دسته کلی قابل تقسیم است؛ برخی مربوط به اشخاص ثالث و برخی در ارتباط با طرفین قرارداد می‌باشد.

الف- استثنائات مربوط به اشخاص ثالث

از آنجایی که قرارداد اصولاً نسبت به اشخاص ثالث، فاقد اثر بوده (اصل اثر نسبی قراردادها)، این سؤال مطرح می‌شود که ابطال آن قرارداد چه اثری نسبت به اشخاص ثالث می‌تواند داشته باشد؟ در پاسخ باید گفت منظور از اشخاص ثالث، قائم مقامان خاص طرفی هستند که حقوق خود را از قرارداد باطل به دست آورده‌اند. بنابراین منطقی است که از تأثیر بطلان نسبت به ایشان هم سخن گفته شود، به عنوان مثال وقتی "الف" مالی را به "ب" می‌فروشد و "ب" متعاقباً آن را به "ج" منتقل می‌نماید، چنانچه قرارداد نخست دچار بطلان نسبی باشد، ابطال آن ممکن است حقوق شخص ثالث "ج" را متأثر سازد. اما به دلایل مختلف که در ذیل اشاره می‌شود، این تأثیر علیه ثالث محدود می‌گردد.

^۱ - Contrat à l'envers.

۱- استثناء مبتنی بر تعهد تضمین

در مثال مذکور، چنانچه ذی نفع ابطال معامله، شخص "الف" (فروشنده اول) باشد، به جهت اثر قهقرایی بطلان، معامله دوم نیز منتفی می‌گردد. اما اگر شخص "ب" (خریدار نخست و فروشنده دوم) قصد ابطال قرارداد را داشته باشد، تأثیر ابطال قرارداد نخست بر قرارداد دوم با تعهد وی به تضمین حقوق خریدار جدید منافات دارد. بنابراین او مجاز نیست با ابتکار و اقدام شخصی خود از خریدار جدید "ج" خلع مالکیت کند. بنابر ضرب المثل معروف در حقوق فرانسه "آنکه تعهد به تضمین دارد، حق خلع ید کردن ندارد."^۱

بنابراین برای اجرای این تعهد، دو راه حل ارائه شده است (Flour, et al., 2002, p. 276): از طرفی ممکن است خریدار نخست به جای استرداد عین مبیع به فروشنده نخست، قیمت آن را مسترد نماید و به تعبیر دیگر قائل به تلف حکمی مبیع گردیم که در این صورت از آن جایی که فروشنده نیز باید ثمن را باز گرداند، میان تعهدات فروشنده و خریدار تهاوتر ولو به صورت جزئی رخ خواهد داد. از طرف دیگر، ممکن است قائل به ممنوعیت اقامه دعوی بطلان گردیم. شخصی که مال خریداری شده را دوباره فروخته، حق ابطال قرارداد نخست را از دست داده است. به عبارت دیگر، از آن جایی که بیع دوم، مانع استرداد مال به فروشنده است، درخواست بطلان قرارداد اول با مانع مواجه می‌گردد.^۲ هر دو راه حل، حافظ حقوق شخص ثالث است؛ اما همان طور که ملاحظه می‌شود، در روابط میان طرفین قرارداد باطل، نتایج یکسانی ندارد.

۲- استثناء مبتنی بر دغدغه امنیت

این دسته استثنائات دارای دو ویژگی مشترک هستند: از سویی، مبتنی بر قواعد عامی هستند که اختصاصی به بحث بطلان ندارند. از سوی دیگر، عموماً به منظور حمایت از اشخاص ثالث با حسن نیتی است که نسبت به سبب بطلان جاهل بوده و تکلیفی به اطلاع نداشته‌اند. مهم‌ترین موارد این استثنائات به شرح ذیل است:

۱-۲: قراردادهای بهره‌برداری کوتاه‌مدت^۳ که توسط شخصی غیر از مالک منعقد شده است،^۱

^۱ - "Qui doit garantie, ne peut evincer."

^۲ - Civ.17 déc. 1928, (Flour, et al., 2002, p. 242)

^۳ - Les actes d'administration.

مثل قراردادهای اجاره کوتاه مدتی که خریدار منعقد نموده و سپس قرارداد بیع (معامله سابق) توسط فروشنده ابطال گردیده است. در توجیه این استثناء به نهاد حقوقی "اداره مال غیر" نیز استناد شده است. توضیح این که چنین قراردادهایی از جمله اعمال مفید یا بعضاً لازم برای حفظ مال غیر می باشد و چنانچه این قراردادها منعقد نشود، منافع متعلق به مالک از بین می رود. (Shahidi, 2002, p. 159)

۲-۲: چنانچه خریدار پس از خرید مال منقول، آن را به شخص ثالثی بفروشد و سپس فروشنده نخست بیع اول را ابطال نماید، تأثیری به حال شخص ثالث (خریدار دوم) نخواهد داشت؛ به شرطی که اولاً در زمان تحصیل مال، دارای حسن نیت بوده و ثانیاً مال در تصرف وی قرار داشته باشد. این استثناء ناشی از اعمال قاعده مندرج در ماده ۲۲۷۹ قانون مدنی فرانسه است که به موجب آن "تصرف در اموال منقول ارزش اثباتی دارد." بنابراین همان گونه که ملاحظه می شود، در حقوق فرانسه بر خلاف حقوق ایران تصرف در اموال منقول یک اماره ساده نیست؛ بلکه گاهی وجود عنصر حسن نیت در کنار تصرف موقعیت محکم تری برای متصرف ایجاد می نماید. (Shahidi, 2002, p. 158) البته حسن نیت باید در زمان تحقق تصرف وجود داشته باشد. (Veaux, 1996c, p. 14) این استحکام به قدری است که ماده ۲۲۷۷ قانون مزبور (اصلاحی سال ۲۰۰۸) برای حمایت از متصرف با حسن نیتی که مال گمشده یا مسروقه را بدون اطلاع از این وضعیت خریداری نموده، مالک اصلی را از استرداد مال ممنوع می کند، مگر با تأدیه ثمنی که متصرف مزبور بابت آن مال پرداخته است.

۲-۳: در خصوص اموال غیر منقول هر چند برخلاف مورد قبل اصولاً اثر قهقراپی بطلان دامن گیر اشخاص ثالث نیز می گردد و خریدار دوم از نتایج ابطال قرارداد اصلی فروشنده خود متأثر می شود، ولی دو نهاد حقوقی در این زمینه بعضاً نقش محدود کننده دارد. از سویی، مرور زمان مملک (البته با وجود شرایطی) موجب مالکیت متصرف مال غیر منقول می گردد.^۱ از سوی دیگر، نظریه مالکیت ظاهری نیز محدودیت هایی را در این خصوص در بر دارد. توضیح این که دادگاهها (Veaux, 1996c, pp. 14-15) با استفاده از یک قاعده عام اخلاقی که به موجب آن "اشتباه عمومی موجب حق است"

^۱- Civ.7 nov.1928, Gaz. Pal. 1929. I. 312. (Colin, et al., 1966, p. 232)

^۲- در این خصوص ر.ک. مواد ۲۲۱۹ به بعد و ۲۲۶۵ به بعد قانون مدنی فرانسه (اصلاحی ۲۰۰۸)

قراردادهای قانونی خاصی^۱ را که توسط غیر از مالک (که در نظر عموم مردم مالک تلقی می‌شده)، منعقد شده است، معتبر می‌شمارند. منظور از قراردادهای خاص، قراردادهایی است که حقوق ویژه و جدی نسبت به مال غیر منقول برای دیگری ایجاد می‌کند که مصداق بارز آن، قرارداد بیع و قرارداد رهن است. (Cornu, 1992, p. 277) باید توجه داشت که قدر متقین اعمال این قاعده هنگامی است که اشتباه عمومی واقعاً غیر قابل اجتناب باشد. (Flour, et al., 2002, p. 277)

همان گونه که ملاحظه می‌شود، در دو مورد نخست حمایت از شخص ثالث به نحو کامل انجام می‌شود. اما در مورد سوم با عنایت به اهمیت معامله و فراهم بودن زمینه ملاحظات رسمی و در نتیجه سهولت امر اثبات، نیاز به حمایت از شخص ثالث کمتر است.

در حقوق ایران نیز برای حفظ امنیت معاملات و حمایت از اشخاص ثالث با حسن نیت، مثال‌های مشابهی وجود دارد که از جمله می‌توان به ماده ۱۳۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت اشاره نمود. به موجب این ماده و به رغم ابطال معاملات مدیران با شرکت، معاملات مزبور در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت معتبر به شمار آمده است.

ب- استثنائات در ارتباط با طرفین قرارداد

در این قسمت، سخن از استثنائات اثر قهقرای بطلان، به بحث استرداد مرتبط است که خود به سه گروه تقسیم می‌شود: اول، استثناء مربوط به عدم امکان اعاده وضع سابق به جهت تلف شدن موضوع قرارداد یا به لحاظ ماهیت موضوع قرارداد، دوم، استثناء مبتنی بر لزوم حمایت از یکی از طرفین به جهت حسن نیت یا محجوریت وی و سوم، استثناء مبتنی بر لزوم رعایت منافع عمومی که برای حمایت از اخلاق حسنه مورد پذیرش جامعه منظور شده است.

جزئیات و تفصیل این موارد را در بحث مسؤلیت (استرداد) مورد بررسی قرار خواهیم داد.

بند دوم: میزان تأثیر بطلان بر قرارداد

^۱ - Les actes de disposition.

در خصوص میزان تأثیر بطلان، مسأله از دو جنبه قابل بررسی است. از طرفی باید تأثیر بطلان یک قرارداد بر سایر قراردادها را بررسی نمود و از طرف دیگر باید تأثیر بطلان شرط ضمنی را بر قرارداد اصلی مورد مطالعه قرارداد.

درباره مسأله نخست اصولاً بطلان یک قرارداد نمی تواند تأثیری بر سایر قراردادها داشته، مگر این که به جهت رابطه تنگاتنگ میان دو قرارداد، سرنوشت یکی وابسته به سرنوشت دیگری باشد. این وابستگی ممکن است ناشی از طبیعت دو قرارداد باشد یا این که طرفین آشکار با اراده خود دو قرارداد را به گونه ای غیر قابل تفکیک به یکدیگر مرتبط نموده باشند.

به عنوان نمونه به موجب ماده L.311-21 از قانون مصرف، چنانچه قرارداد اصلی که برای اجرای آن، قرارداد تخصیص اعتبار منعقد شده، باطل یا منفسخ گردد، قرارداد اخیر نیز به همان سرنوشت دچار خواهد شد. همچنین است در مورد قرارداد اجاره مسکونی که ارتباط آن با قرارداد کار تصریح شده باشد یا قرارداد قرضی که مشخصاً برای اشتغال خاصی تخصیص داده شده است. رویه قضایی نیز همین راه حل ها را تأیید می کند.^۱

در مورد مسأله دوم، سؤال این است که اگر شرطی برخلاف قاعده مثلاً خلاف اخلاق یا نظم عمومی باشد، آیا صرفاً شرط باطل است یا این که قرارداد هم باطل می شود. در پاسخ گفته شده (Carbonnier, 1988, p. 198) که عقلاً و منطقاً بطلان باید فقط قسمتی از قرارداد را شامل شود که معیوب بوده و در نتیجه آن شرط حذف شده و کأن لم یکن به شمار آید. قانون گذار نیز در موارد متعددی همین حکم را جاری دانسته است. به عنوان نمونه می توان به ماده ۹۰۰ قانون مدنی فرانسه در مورد هبه، ماده ۱۰-۱۸۴۴ در مورد شرکت ها، ماده ۸۶۰ قانون روستایی درباره اجاره های زراعی، و ماده L132-1 قانون مصرف راجع به حمایت از مصرف کنندگان اشاره نمود. در ظاهر امر، قانون گذار فرانسه در خصوص شروط مخالف قانون یا اخلاق حسنه و شروط غیرمقدور میان هبات و وصیت از یک طرف و عقود معوض از طرف دیگر، برخورد دوگانه داشته است.

به موجب ماده ۹۰۰ قانون مدنی شروط مزبور که ضمن هبه یا وصیت ذکر گردیده، "کأن لم

¹ - Civ.1^{re}, 1^{re} juilli. 1997, (Flour, et al., 2002, p. 270)

یکن (نانوشته) فرض شده " بدون این که تأثیری بر اصل قرارداد داشته باشد. در حالی که طبق ماده ۱۱۷۲ قانون مزبور در خصوص اعمال حقوقی معوض، چنین شروطی، هم باطل بوده و هم قرارداد اصلی را باطل می‌نماید.

اما رویه قضایی به تدریج با ارایه تفسیری جدید برای نزدیکی مادتين ۹۰۰ و ۱۱۷۲ تلاش کرده است. این تلاش مبتنی بر جستجوی اراده طرفین در خصوص اساسی یا فرعی بودن شرط مزبور می‌باشد. (Carbonnier, 1988, p. 272; Colin, et al., 1966, p. 230; Marty & Raynaud, 1988, p. 240) چنانچه شرط مزبور اساسی بوده و علت عمده باشد، بطلان قرارداد را نیز در بر دارد؛ ولو این که شرط مزبور در ضمن هبه یا وصیت درج گردیده باشد. اما اگر شرط مزبور در نظر دو طرف قرارداد فرعی بوده باشد، بطلان حتی در عقود معوض، جزئی و منحصر به شرط می‌باشد و تأثیری بر اصل قرارداد ندارد. در نتیجه ماده ۹۰۰ ناظر به شروطی است که جنبه اساسی نداشته باشد و ماده ۱۱۷۲ ناظر به شروطی می‌باشد که علت عمده قرارداد هستند. در نتیجه میان مواد مزبور، تقابلی وجود نخواهد داشت.

بند سوم: مسؤولیت ناشی از ابطال قرارداد

منظور از مسؤولیت ناشی از ابطال قرارداد، از سویی استرداد آن چیزی است که هریک از طرفین در اثر قرارداد باطل به دست آورده و از سوی دیگر، جبران خسارات ناشی از ابطال با رعایت قواعد مسؤولیت مدنی است.

طبیعی است، چنانچه قرارداد اجرا نشده باشد، استرداد منتفی است. اما اگر قرارداد کلاً یا جزئاً اجرا شده باشد، اصولاً هریک از طرفین باید آنچه را که تحصیل کرده، مسترد نماید. برای این تکلیف می‌توان مبانی حقوقی مختلفی ارائه نمود. برخی حقوق دانان فرانسوی (Flour, et al., 2002, pp. 274-275) آن را نتیجه عطف به ماسبق شدن بطلان، قلمداد نموده و مبنای آن را ایقنای ناروا دانسته‌اند. در واقع، به نظر می‌رسد که مسأله به قاعده " داراشدن بلاجهت " باز می‌گردد؛ چون جهت و سبب قانونی برای دارا شدن در اثر ابطال، منتفی گردیده است. در حقوق ایران نیز برای توجیه این تکلیف می‌توان به مبنای اکل مال به باطل و ضمان ید اشاره نمود.

برای انجام تکلیف استرداد، بدیهی است که در صورت وجود عین، باید همان عین مسترد^۱ گردد؛ اما چنانچه امکان استرداد عین وجود نداشته باشد، در حقوق فرانسه تکلیف استرداد به صورت پرداخت قیمت^۲ ظاهر می شود.

ممکن است، تکلیف استرداد با حقوق اشخاص ثالث گره بخورد و آن وقتی است که پس از معامله و قبل از ابطال آن، انتقال گیرنده به موجب قرارداد بعدی مال را در اختیار شخص ثالث قرارداده باشد. در این فرض، سؤال این است که آیا ابطال قرارداد نخست، تکلیفی را متوجه شخص ثالث می کند یا خیر؟ جواب این سؤال و احکام مربوط به آن قبلاً در بحث اثر قهقراپی بطلان به تفصیل بیان گردید.

آنچه گفته شد، قاعده کلی در مورد استرداد است و قاعده مزبور نیز مانند اغلب قواعد با استثنائاتی روبه روست که مستلزم بررسی می باشد. در یک تقسیم بندی کلی می توان استثنائات مزبور را به سه گروه تقسیم نمود: الف- استثناء مبتنی بر عدم امکان اعاده وضع سابق ب- استثناء مبتنی بر نفع و مصلحت یکی از طرفین ج- استثناء مبتنی بر منافع عمومی. در ادامه به توضیح این موارد می پردازیم.

الف- استثناء مبتنی بر عدم امکان اعاده وضع سابق

عدم امکان اعاده وضع سابق یا به جهت تلف (اعم از اتلاف و تلف در اثر حوادث غیر مترقبه و نیز تلف حکمی) و یا به جهت نوع و ماهیت قرارداد (عقود مستمر) می باشد. در صورتی که خریدار کالایی معین، کالای مزبور را تلف یا شدیداً تخریب نموده باشد، دعوای بطلان توسط وی پذیرفته نیست.^۳ اما در فرض تلف، حکمی که به موجب قرارداد ناقل بعدی کالای مزبور را به تصرف دیگری داده باشد، دو راه حل مطرح می شود. برخی این مورد را نیز از موارد عدم پذیرش دعوای بطلان دانسته و برخی با استدلال مناسب تری بر امکان استرداد از طریق دادن معادل، ضمن اشاره به یک رأی قضایی^۴، تلف حکمی را مانع پذیرش دعوای بطلان

^۱ - Restitution en nature.

^۲ - Restitution en valeur.

^۳ - Civ.1^{re}, 23 févr. 1970, (Flour, et al., 2002, p. 278)

^۴ - Civ.1^{re}, 16 mars 1999, (Flour, et al., 2002, p. 278)

ندانسته‌اند. (Flour, et al., 2002, pp. 276, & 278) در خصوص تلف در اثر حوادث غیر مترقبه نیز دعوی بطلان پذیرفته است؛ زیرا با ابطال قرارداد و اثر عطف به ماسبق شونده آن، فرض بر بقاء مالکیت انتقال دهنده بوده و بر اساس قاعده «تلف مال به زیان مالک است»^۱ خطر تلف به عهده وی می‌باشد. بنابراین همان گونه که در یکی از آرای قضایی آمده است^۲، با ابطال قرارداد در این فرض ثمن به خریدار مسترد می‌شود؛ بدون این که وی ملزم به استرداد چیزی باشد. البته برخی از نویسندگان (Marty & Raynaud, 1988, p. 242) این رأی را قابل انتقاد دانسته‌اند.

گروه دوم از این دسته، قراردادهای مستمر هستند که در بردارنده تعهد به انجام کار می‌باشند. طبیعی است پس از انجام تعهد، استرداد آن غیر ممکن است. (Colin, et al., 1966, p. 231) به همین جهت استرداد عوض آن نیز باید استثناء گردد. به عنوان مثال مستأجر نمی‌تواند منافعی را که استفاده نموده، مسترد نماید. یا یک کارگر نمی‌تواند کاری را که انجام داده، بازپس گیرد. به همین جهت نمی‌توان پذیرفت که در مورد نخست مستأجر اجاره‌بهای پرداختی را بازپس گیرد و در مورد دوم کارگر ملزم به استرداد دستمزد دریافتی گردد.

ب- استثناء مبتنی بر حمایت از یکی از طرفین قرارداد

اشخاص باحسن نیت و محجوران شایسته حمایتند. هر چند که منطق عطف به ماسبق شدن بطلان اقتضا دارد که انتقال گیرنده نه تنها ملزم به استرداد عین آن چیزی که تحصیل کرده باشد، بلکه تکلیف به استرداد ثمرات^۳ و عوائد^۴ حاصل از مال در مدت تصرف نیز دارد. ولی قانون‌گذار به منظور حمایت از متصرف باحسن نیت به موجب ماده ۵۴۹ قانون مدنی فرانسه، وی را از استرداد ثمرات معاف دانسته است. طبق ماده ۵۵۰ قانون مزبور، متصرف وقتی باحسن نیت تلقی می‌شود که به علت عدم آگاهی از عیوب قرارداد ناقل مالکیت، خود را مالک می‌پنداشته است. باید توجه داشت که در حقوق فرانسه، ثمرات با منافع مستوفات متفاوت است. حکم معافیت از استرداد به ثمرات اختصاص دارد، ولی در مورد منافع مستوفات به موجب برخی آراء^۵ به استناد "دارا شدن

^۱ - "Res perit domino."

^۲ - Civ. 1^{re}, 6 déc. 1967, (Flour, et al., 2002, p. 278)

^۳ - Fruits.

^۴ - Revenus.

^۵ - Com. 16 déc. 1975, (Marty & Raynaud, 1988, p. 221)

بلاجهت"، حتی شخص باحسن نیت نیز، تکلیف به استرداد مابه‌ازاء آن را دارد. (Marty & Raynaud, 1988, p. 242)

ماده ۱۳۱۲ قانون مدنی نیز در حمایت از محجوران چنین مقرری دارد که محجور تکلیف به استرداد آن چیزی که در اثر قرارداد باطل به دست آورده، نیست؛ مگر تا حدی که پرداخت در جهت منافع وی بوده باشد. بنابراین اگر وجهی را که قرض گرفته از بین ببرد، مسؤولیتی برای استرداد ندارد. (Carbonnier, 1988, p. 199) البته در صورت بقاء عین، تکلیف به استرداد قطعی است. با این توضیح در خصوص منافع مستوفات، محجور مزبور مکلف به استرداد ارزش آن می‌باشد. اما نسبت به منافع غیر مستوفات هیچ تکلیفی ندارد. (Flour, et al., 2002, p. 280)

ج- استثناء مبتنی بر حمایت از منافع عمومی

مبنای استثناء در این مورد بیشتر دو ضرب‌المثل قدیمی است که به موجب آنها "هیچ کس نمی‌تواند از ردالت خود سود ببرد."^۱ و "به علت ردالت حق استرداد منتفی می‌گردد."^۲ ضرب‌المثل نخست که از حقوق رم اقتباس شده، مورد استناد رویه قضایی در زمان حکومت پادشاهی بوده است. در دوران حاکمیت قانون مدنی نیز به‌رغم این که در هیچ متن قانونی از آن یاد نشده، دادگاه‌ها و حتی دیوان عالی کشور^۳ به آن عنایت دارند.

به‌موجب ضرب‌المثل نخست، حق استرداد پرداخت‌های صورت گرفته در مقام اجرای قرارداد، منتفی است، اما این ضرب‌المثل نافی حق استناد به بطلان نیست. مثلاً خریدار یک خانه فساد که ثمن را نپرداخته، می‌تواند برای امتناع از پرداخت ثمن، دعوای بطلان را مطرح نماید و ردالت او در این جا علیه وی قابل استناد نیست. اما چنانچه ثمن را پرداخته و تقاضای استرداد داشته باشد، دعوایش مسموع نیست و در این فرض است که ردالتش علیه وی قابل استناد است. ضرب‌المثل دوم به‌رغم این که به‌صورت روشن‌تر همین مسأله را تبیین می‌کند، متداول و رایج نمی‌باشد.

اینک که مسأله استرداد در اثر ابطال قرارداد به‌طور مستوفی مورد بررسی قرار گرفت، باید در خصوص مسأله جبران خسارات احتمالی ناشی از ابطال قرارداد نیز متذکر شویم که موضوع مشمول

¹ - "Nemo auditor propriam turpitudinem allegans."

² - "In pari causa turpitudinis, cessat repetitio."

³ - Com. 20 janv. 1987, (Carbonnier, 1988, p. 203)

قاعده عمومی مسؤولیت مدنی مذکور در ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه است که به موجب آن هر عملی که موجب خسارت به دیگری گردد، عامل آن را در صورت ارتکاب تقصیر، ملزم به جبران خسارت می‌نماید. بنابراین بحث مسؤولیت قراردادی منتفی است.

نتیجه گیری

بطلان نسبی وضعیتی است که قانون‌گذار برای نقض قواعد مربوط به حمایت از شخص یا اشخاص معینی که معمولاً یکی از طرفین و بعضاً هر دو طرف قرارداد و یا اشخاص ثالث می‌باشند، در نظر گرفته، درحالی که بطلان مطلق برای حمایت از منافع عمومی پیش‌بینی می‌شود. با این توضیح، ذی‌نفع دعوای بطلان نسبی اصولاً شخص یا اشخاصی هستند که قانون‌گذار در صدد حمایت از منافع خصوصی ایشان بوده است.

حکم دادگاه برای تحقق بطلان نسبی، ضروری است و تا زمانی که قرارداد به موجب حکم دادگاه ابطال نگردیده، قرارداد کلیه آثار خود را بر جای می‌گذارد و صحیح تلقی می‌شود که البته حکم دادگاه در این خصوص تأسیسی است. دادگاه هنگامی اقدام به صدور حکم مبنی بر این نوع بطلان می‌نماید که: اولاً ذی‌نفع از حق استناد به بطلان چشم‌پوشی ننموده باشد؛ ثانیاً دعوای خود را در مهلت مقرر قانونی که اصولاً پنج سال از تاریخ انعقاد قرارداد می‌باشد، اقامه نماید. البته بعضاً به موجب متون قانونی خاص مبدأ و مدّت مرور زمان، متفاوت می‌باشد. حکم دادگاه مبنی بر ابطال قرارداد اصولاً دارای اثر قهقرایی بوده و قرارداد را از ابتدا باطل و فاقد اثر می‌نماید. نتیجه اثر عطف به ماسبق شدن بطلان تکلیف طرفین قرارداد به استرداد آن چیزی است که در اثر قرارداد باطل به دست آورده‌اند. به علاوه، در صورت تحقق ارکان مسؤولیت مدنی، شخص مقصر، مسؤول جبران خسارات وارده نیز هست.

References:

- 1- Adl, M. (2006). *Civil Law* (2 ed.). Qazvin: Taha. (in persian)
- 2- Āl-e- Kashef Algheta, S. M. H. (1940). *Tahrir Almajallah* (Vol. 1). Najaf: Mortazavvyah Publication.
- 3- Amiri Qaem Maqami, A. (1999). *law of obligations* (1 ed. Vol. 2). Tehran: Mizan. (in persian)
- 4- Bahrami ahmadi, H. (2002). *General Principles Of Contracts, Civil Law*(3)

- (1 ed.). Tehran: Mizan.(in persian)
- 5- Boroojerdi Abdoh, M. (2001). *Civil Law* (1 ed.). Tehran: Majd(in persian).
 - 6- Carbonnier, J. (1988). *Droit civil, Les obligations* (Vol. 4). Paris: Presses universitaires de France.
 - 7- Colin, Capitant, & Julliot De la Morandière. (1966). *précis de Droit civil* (3 ed. Vol. 2). Paris: Dalloz.
 - 8- Cornu, G. (1992). *Vocabulaire juridique* (3 ed.). Paris: Presses univecitaires de France.
 - 9- Doroodian, H. a. (1994). *Civil Law* (3). Faculty of Law and Political Sciences. University of Tehran. Tehran.(in persian).
 - 10- Emami, S. H. (1995). *Civil Law* (12 ed. Vol. 4). Tehran: Eslamyyeh.(in persian).
 - 11- Flour, J., Aubert, J. L., & Savaux, É. (2002). *Les obligations, L'acte juridique*. In A. Colin & Delta (Eds.), (2 ed.). Paris.
 - 12- Ghabooli dorafshan, S. M. M. (2007). *The External Effects of Contract in the Iranian Law with Comparative Study of France Law*. Ph.D., University of Tehran, Tehran.(in persian).
 - 13- Ghestin, J., Jamin, C., & Billiau, M. (2001). *Traité de Droit Civil, Les effets du contrat* (3 ed.). Paris: LGDJ.
 - 14- Haeri Shahbaq, S. A. (2002). *Explanation of Civil Law* (1 ed. Vol. 1). Tehran: ganjedanesh.(in persian).
 - 15- Jafari Langroudi, M. J. (1961). *The effect de volition in the Civil Law*. Ph.D., University of Tehran, Tehran. (in persian).
 - 16- Katouzian, N. (1997). *Iranian Civil Law, General Principles Of Contracts* (Vol. 2). Tehran: Enteshar Publication Co.(in persian).
 - 17- Marty, G., & Raynaud, P. (1988). *Droit civil, les obligations* (2 ed. Vol. 1). Paris: Sirey.
 - 18- Mazeauds, H. L. e. J., & Chabas, F. (1985). *leçons de Droit civil* (7 ed. Vol. 2). Paris: Éditions Montchrestien.
 - 19- Mohseni, S. (2007). *Mistake in the Party to the Contract with Comparative in Islamic Jurisprudence, Iran and French Law*.. Ph.D., Imam Sadiq University, Tehran. (in persian).
 - 20- Safaei, S. H. (2007). *Articles on Civil Law and Comparative Law* (2 ed.). Tehran: Mizan.(in persian).
 - 21- Shahidi, M. (2002). *Civil Law, Principles Of Contracts and Obligations* (2 ed.). Tehran: Majd.(in persian).
 - 22- Simler, P., & Delebecque, P. (1995). *Droit civil, Les sûretés, La publicité foncière* (2 ed.). Paris: Dalloz.
 - 23- Veaux, D. (1996a). *Jurisclasseur Civil, Fascicule 122 et 123*. Paris: Éditions du Juris-Classeur.
 - 24- Veaux, D. (1996b). *Jurisclasseur Civil, Fascicule 124 et 125*. Paris: Éditions du Juris-Classeur.

- 25- Veaux, D. (1996c). *Jurisclasseur Civil, Fascicule 131 et 132*: Éditions du Juris-Classeur.
- 26- Weill, A., & Terré, F. (1980). *Droit Civil, les obligations* (3 ed.). Paris: Dalloz.

Archive of SID